

بررسی میزان برخورداری کتابهای دین و زندگی مقطع دبیرستان از مؤلفه‌های روش تربیت الگویی در اسلام

محبوبه البرزی *

محمدحسن کریمی **

لیلا سفندیاری ***

دریافت مقاله: ۹۴/۷/۳

پذیرش نهایی: ۹۴/۱۲/۷

چکیده

هدف این پژوهش تحلیل محتوای کتابهای دین و زندگی مقطع دبیرستان از لحاظ میزان توجه به مؤلفه‌های روش تربیت الگویی (الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی) در اسلام است. پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد و طرح پژوهش غیر پدیدایشی بود که در آن ضمن تعیین بسامد هر کدام از واحدهای تحلیل (قرائت و متن) به توصیف داده‌های اولیه پژوهش پرداخته شد. تحلیل یافته‌ها نشان داد در هر سه پایه در مؤلفه الگودهی، بیان شخصیت پیامبر و ائمه بیشترین واحدهای مشمول را داشتند. در مؤلفه الگوپردازی، ارائه الگوهای مطلوب بیشتر دیده شد و در مؤلفه الگوزدایی، الگوهای منفی، بیشترین واحدهای مشمول برخوردار را نشان داد. همچنین مقایسه بین مؤلفه‌ها نشان داد در تمام پایه‌ها مؤلفه الگودهی بیش از دو مؤلفه دیگر دیده شد و مؤلفه الگوزدایی کمترین فراوانی را داشت. مؤلفه الگوپردازی نیز در هر سه پایه به طور متوسط مشاهده شد. مقایسه کتابها نیز نشان داد که دین و زندگی سال سوم بیشترین مؤلفه‌های مشمول را هر سه مؤلفه داراست در نهایت اینکه مؤلفه‌های متن اصلی نسبت به قرائت بیشتر مشاهده شد.

کلید واژه‌ها: الگودهی، الگوپردازی، الگوزدایی، کتابهای دین و زندگی.

malborzi@shirazu.ac.ir

* دانشیار بخش مبانی تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز

MHKarimi@rose.shirazu.ac.ir

** استادیار بخش مبانی تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه شیراز

esfandiyari@yahoo.com

مقدمه

تغییر و تحولات سریع در دنیای معاصر، مسائل متعددی را تحت تأثیر خود قرار داده است که از جمله مهمترین آنها، تعلیم و تربیت و چگونگی آن است. تربیت از اساسی‌ترین مسائل مربوط به انسان است که در همه شئون زندگی، چه جنبه‌های فردی و چه جنبه‌های اجتماعی نقش مستقیم دارد. تعلیم و تربیت فرایندی است که باعث تغییر و تحول باطنی در فرد می‌شود و در پی کسب آن، فرد به آگاهی عمیق و بینش می‌رسد؛ راه را از بیراه تشخیص می‌دهد؛ قضاوت صحیح را به دست می‌آورد و به شایستگی اخلاقی می‌رسد. تربیت، فرد را برای حضور در اجتماع آماده می‌کند و به او می‌آموزد که چه ضابطه‌ها و قانونها و ارزشهایی بر جامعه حکمفرماست (شریف القریشی، ۱۳۶۲: ۱۱). با توجه به اهمیت و نقش تربیت در شکوفاسازی توانمندیهای انسان در ادیان بویژه دین مبین اسلام، روشهای مختلفی توصیه شده است. از دیدگاه اسلام، تعلیم و تربیت در زندگی انسان نقش شگفت‌انگیزی دارد. شکوفایی استعدادها و ارزشهای والای انسان براساس تعلیم و تربیت است. انسان شدن انسان و دستیابی او به کمال نهایی، همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است. تعلیم و تربیت می‌تواند به رشد و ارتقای جسمی و روحانی انسان یاری، و نیازهای فردی و اجتماعی و اقتصادی انسان را تأمین کند. تمام امور زندگی بشر با تعلیم و تربیت ارتباط دارد. از نظر اسلام کسی که از تعلیم و تربیت بی‌بهره است هم چون کسی است که در بیابان خشکی سرگردان و متحیر است و نمی‌داند از کدام راه برود تا به سرمنزله مقصود برسد. خداوند در قرآن کریم فرموده است: هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه: پیامبران برای تزکیه و تعلیم بشر برانگیخته شده‌اند که آیات خدا و کتاب حکمت را به آنان تعلیم دهند (صانعی، ۱۳۷۸: ۳۰). از مهمترین روشهای تربیت دینی، که در اسلام به آن توجه خاصی شده روش تربیت الگویی است. تربیت الگویی با فطرت آدمی متناسب است که انسان، نمونه عینی را مطلوب می‌بیند و سعی می‌کند که با او همسان شود و در همه کارها از او پیروی کند. روش الگویی، فراگیر است؛ چراکه انسان در همه مراحل زندگی خود به الگو نیاز دارد. الگوها در تربیت انسان نقش مهمی دارند. روش الگویی در ساختن شخصیت افراد و رفتار آنها روشی مؤثر است (بهشتی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). بررسی آموزه‌های اسلامی حاکی است که روش تربیتی الگویی از سه مؤلفه الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی تشکیل شده است. الگودهی به معنای ارائه الگوهای مثبت و

واقعی است؛ یعنی الگوهایی که در خارج تحقق یافته و قابل مشاهده‌اند. الگوپردازی به معنای توجه به الگوهای مطلوب و بیان و توصیف ویژگیهای آنان است به گونه‌ای که متربی را به تخیل و تجسم الگو یا صحنه واقعه‌ای بکشاند. الگوپردازی از طریق بیان داستانها و افسانه‌های خیالی صورت می‌گیرد. الگوزدایی به این معناست که الگوها و شخصیت‌های منفی چنان ترسیم می‌شوند که نوعی دلزدگی و نگرش منفی در متربی نسبت به شخصیت‌های منفی پدید می‌آید. مربی در این شیوه با ارائه الگوهای منفی و توصیف پیامد بد آنها، نوعی نگرش مثبت در جهت عکس آنها در متربی ایجاد می‌کند که به دو صورت است: در صورت اول مربی صفات، ویژگیها و نشانه‌های الگوهای منفی را بیان می‌کند. در صورت دوم مربی با نهی مستقیم، متربی را از همراهی و مصاحبت با الگوهای بد منع می‌کند (نساجی‌زواره، ۱۳۴۵: ۴۵).

نقش الگوها چنان مهم است که صلاح و فساد جوامع بشدت از آنان تأثیر می‌گیرد. اگر الگوها منحرف شوند، این انحراف باعث انحراف جامعه می‌شود؛ انسانیت تباه می‌شود و باعث فتنه و شبهه در میان مردم می‌گردد (نساجی‌زواره، ۱۳۴۵: ۵۲). با توجه به اهمیت روش الگویی بویژه زمانی که افراد به دنبال کسب هویت هستند، شناخت ابزارها و امکاناتی اهمیت بسزایی دارد که الگوهای مناسب را معرفی کند. کسب هویت در دوران نوجوانی با بهره‌گیری از کتابهای درسی قابل توجه است. در این زمینه کتابهای درسی و محتوای آنها، که یکی از عناصر مهم آموزش و پرورش است به عنوان وسیله آموزشی فراگیر، زمینه‌ساز تحقق اهداف کلی و آموزشی و تربیتی است. در این زمینه، محتوای کتابهای درسی دینی جایگاه خاصی دارد. این کتابها از جمله مهمترین کتابهایی است که در زمینه تعلیم و پرورش باورها، بینش‌ها و ارزشهای دینی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. در نتیجه، توجه به محتوای گنجانده شده در آنها از ضرورت والایی برخوردار است (نژادشفیعی، ۱۳۸۸: ۳). در مجموع با توجه به آنچه گفته شد و با توجه به اهمیت الگوها و تربیت الگویی و هم‌چنین با تأکید بر اینکه درجست‌وجوی محقق، پژوهشی که به بررسی روش تربیتی الگویی در کتابهای درسی دینی بویژه کتاب دین و زندگی پرداخته باشد، یافت نشد، این پژوهش به بررسی مؤلفه‌های روش تربیت الگویی در کتابهای دین و زندگی مقطع دبیرستان می‌پردازد. هم‌چنین با توجه به اینکه روش الگویی از روشهای تربیتی است که در تمام جنبه‌های مختلف زندگی تأثیر دارد و می‌تواند محتوای تربیت را عملی و عینی ارائه کند، پرداختن به این روش تربیتی قابل توجه و تأمل است. هم‌چنین روش الگویی در محیطها و مقاطع سنی مختلف قابل استفاده و ثمربخش

است؛ به همین دلیل، وسعت و دامنه کاربرد پژوهش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درباره‌ی روش تربیتی الگویی پژوهشهایی انجام شده است. قیوم زاده و صادقیان (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «نقش الگوگیری از پیامبران و جاودانگرایی در سلامت اجتماعی» دریافتند که پیروی از اولیای الهی و الگوگیری از پیامبران بویژه پیامبر اسلام در سلامت اجتماعی انسان بسیار مؤثر است. آموزه‌های دینی از طریق ارائه الگوهای مناسب به راهنمایی افراد در برخورد با مسائل زندگی می‌پردازد. افراد با الگوگیری از پیامبر و اولیای دین در مقابل فشارهای روانی موفقتر عمل می‌کنند.

روحي (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «الگوی تربیتی پیامبر اعظم (ص)» به بررسی ابعاد گوناگون زندگی پیامبر اکرم (ص) پرداخت و دریافت کسانی که در زندگی خود به دنبال الگویی مطمئن باشند، نمی‌توانند الگویی مناسبتر از پیامبر اکرم (ص) برای زندگی خود بیابند. این الگو می‌تواند ما را برای دستیابی به حیات پاکیزه در رفتارهای فردی و اجتماعی رهنمون شود و الگوی تربیتی بی‌بدیلی به شمار آید. هم چنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به دلیل وجود دو ویژگی، یکی در شخص پیامبر اعظم (ص) و دیگری در شریعت و آیین، که آن حضرت از سوی خداوند برای هدایت شریعت آورده است، می‌توان الگوی مناسب، بلکه بهترین الگوی تربیتی را ارائه کرد. مجموعه رفتارهای پیامبر اعظم (ص) در قالبهایی مانند عدالت‌خواهی - مهرورزی به کودکان، خانواده و همه مردم، احساس وظیفه نسبت به همگان، توجه به نیازهای معنوی و مادی دیگران موجب شده است همه رفتارهای آن حضرت گیرایی و جذابیت بسیاری داشته باشد.

حسینی (۱۳۸۴) در پژوهش خود ضمن بررسی روشهای تربیت اسلام به بیان مطالب و روشهای علمی و عملی تربیت بر اساس آیات قرآن و دیدگاه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه پرداخته است. وی دریافت روشهای تربیتی نظیر الگوپردازی، تذکر و یادآوری، محبت و مدارا و عبرت‌آموزی، بصیرت‌آفرینی، عفو، تشویق و تنبیه در راستای تربیت انسان، نیاز عاطفی و مقتضای فطری انسانهاست. امینی، ماشااللهی‌نژاد و علیزاده زارعی (۱۳۹۱) در بررسی محتوای کتابهای هدیه آسمانی و فارسی (بخوانیم) مقطع ابتدایی از نظر توجه به مؤلفه‌های مهدویت نشان دادند که در این دو کتاب به مؤلفه‌های مهدویت خیلی کم توجه شده و لازم است این مسئله بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

سبزعلی زاده و شمشیری (۱۳۹۰) نیز در بررسی محتوای کتابهای دین و زندگی دریافتند این

کتابهای درسی با شکل کمی و محتوایی، کارایی لازم را برای آشنا کردن دانش‌آموزان با مهارتهای اجتماعی اسلامی ندارند و در این زمینه ضعیف عمل کرده‌اند. به علاوه این کتابهای درسی، با نوع و میزان پرسش‌های موجود نمی‌توانند دانش‌آموزان را در حد قابل قبولی با آموزه‌های اسلامی آشنا کنند و در این زمینه با توجه به کمیت و کیفیت پرسشها ضعیف عمل کرده‌اند. علاوه بر این موارد، پژوهشهای اخلاصی (۱۳۸۶)، جعفری و نیازی (۱۳۷۹)، امینی (۱۳۷۱) و عباسی مقدم (۱۳۷۰) به نقش الگوهای اجتماعی از جمله والدین و معلمان در تعلیم و تربیت تأکید کرده‌اند. عباسی مقدم (۱۳۷۰) در پژوهشی تحت عنوان نقش الگوها در تربیت، معتقد است که قسمت عمده یادگیریهای انسان از طریق تقلید صورت می‌گیرد. از این رو تمام افراد اعم از کودک، جوان، میانسال و بزرگسال با تقلید سروکار دارند؛ هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان داده که لازم است الگوهای مناسب و شایسته به افراد مستعد و به جامعه ارائه شود تا انسانها در هر مرحله و سنی که هستند، بتوانند تربیت‌های صحیح را از طریق مشاهده آنها فرا گیرند و حرکتی مستمر را به سوی رشد و تعالی بپیمایند.

جعفری و نیازی (۱۳۷۹) در پژوهشی تحت عنوان شناسایی الگوهای تربیتی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر کاشان و چگونگی تأثیرپذیری آنان از این الگوها به بررسی شناخت الگوهای تربیتی دانش‌آموزان و بررسی اثر متغیرهایی پرداختند که می‌توانند در انتخاب الگوها مؤثر باشند. نتایج این پژوهش نشان داد گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی توانسته‌اند با درجه اهمیت متفاوت، الگوی تربیتی این دانش‌آموزان باشند.

در نهایت با توجه به بررسی پژوهشها و با توجه به اهمیت روش تربیتی الگویی در اسلام بویژه در مقطع نوجوانی، هدف اصلی پژوهش تحلیل محتوای کتابهای دین و زندگی مقطع دبیرستان بر اساس روش تربیت الگویی در اسلام بود. در این راستا پاسخگویی به سؤالات زیر مورد توجه قرار گرفت:

۱ - میزان برخورداری کتاب دین و زندگی سال اول مقطع دبیرستان از مؤلفه‌های تربیت الگویی (الگودهی، الگوپردازی، الگوزدایی) چگونه است؟

۲ - میزان برخورداری کتاب دین و زندگی سال دوم مقطع دبیرستان از مؤلفه‌های تربیت الگویی (الگودهی، الگوپردازی، الگوزدایی) چگونه است؟

۳ - میزان برخورداری کتاب دین و زندگی سال سوم مقطع دبیرستان از مؤلفه‌های تربیت

الگوی (الگودهی، الگوپردازی، الگوزدایی) چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی است که در گروه پژوهشهای کاربردی قرار دارد. با توجه به ماهیت و اهداف مورد توجه از روش تحلیل محتوا استفاده شد. شی یه و شانون (۲۰۰۵) معتقدند تحلیل محتوا به سه روش تحلیل محتوای عرفی، تحلیل محتوای جهتدار و تحلیل محتوای تلخیصی انجام می‌گیرد. در این پژوهش تحلیل محتوا به شیوه تلخیصی انجام گرفت. این نوع تحلیل محتوا به دنبال کمی کردن واژه‌ها و محتوای خاص و کاربرد آن در متن است. در این نوع تحلیل، تمرکز بر کشف معانی واژه‌ها و یا محتوای نهفته واژه‌هاست (شی یه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۴ نقل از کریمی، ۱۳۸۶). پژوهشگران استفاده از این نوع تحلیل محتوا را در مطالعاتی که تحلیل یک نشریه ویژه یا محتوای خاصی در کتابهای درسی مد نظر باشد به کار می‌برند (همان). با توجه به این مطالب، می‌توان تحقیق را از نوع جهتدار قلمداد کرد؛ زیرا مقولات پژوهش با استفاده از نظریه یا پژوهشهای موجود کدگذاری شده است. مؤلفه‌های این پژوهش، که مؤلفه‌های روش تربیتی الگویی در اسلام است، عبارت است از الگودهی، الگوپردازی، الگوزدایی (جدول ۱). منظور از الگودهی، ارائه الگوهای مثبت و حقیقی شامل مربی، والدین، پیامبر و ائمه است. منظور از الگوپردازی، ارائه الگوهای تخیلی و فرضی به شکل بیان داستانها و افسانه‌های خیالی و بیان ویژگیهای الگوهای مطلوب است و منظور از الگوزدایی، ارائه الگوهای منفی و شخصیت‌زدایی است و شامل بیان ویژگیها، علامات و نشانه‌های الگوهای منفی و نهی مستقیم به منظور دوری از الگوهای منفی است (نساجی زواره، ۱۳۸۴).

جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی صورت گرفت. در این زمینه کتابهای دین و زندگی مقطع دبیرستان (سه سال اول و دوم و سوم) بررسی شد و واحدهای تحلیل نیز در جمله‌ها و بندها در دو بخش متن و قرائت بود.

جدول ۱: تعریف مؤلفه‌های روش تربیتی الگویی

مؤلفه‌های تربیت الگویی	توصیف مؤلفه‌ها
الگودهی: ارائه الگوهای مثبت و حقیقی	ارائه الگوهای مختلف: مربی، والدین، پیامبر و ائمه
الگو پردازی: ارائه الگوهای تخیلی و فرضی	۱ - بیان داستانها و افسانه‌های خیالی ۲ - بیان ویژگیها و نشانه‌های الگوهای مطلوب
الگوزدایی: ارائه الگوها و شخصیت‌های منفی	۱ - بیان ویژگیها و نشانه‌های الگوهای منفی ۲ - نهی مستقیم به منظور دوری از الگوهای منفی

اعتبارسنجی پژوهش: در این پژوهش به منظور اعتبارسنجی از دو روش مسیر ممیزی و گروه پژوهشی استفاده شد. در روش مسیر ممیزی، پژوهشگر مسیری را که در پژوهش طی کرده است، گام به گام ثبت می‌کند و سپس آنها را در اختیار سه نفر از متخصصان قرار داده تا تحلیلهای صورت گرفته توسط محقق را تأیید نماید. در گروه پژوهشی، پژوهشگر همواره به مشورت با گروه پژوهش (اعضای کمیته) در هر مرحله پرداخت (لینکن و گیوبا، ۱۹۸۵ به نقل از میکات و مورهاوس، ۱۹۹۴).

یافته‌های پژوهش

در این قسمت یافته‌ها بر اساس سؤالات پژوهش ارائه می‌شود:

سؤال اول پژوهش: میزان برخورداری کتاب دین و زندگی سال اول مقطع دبیرستان از مؤلفه‌های تربیت الگویی (الگودهی، الگوپردازی، الگوزدایی) چگونه است؟ تحلیل محتوای کتاب سال اول دین و زندگی حاکی بود که به طور کلی کتاب شامل ۱۵۳ واحد مشمول تحلیل و ۲۳۴ واحد غیر مشمول بود که مجموعاً ۳۸۷ واحد را شامل می‌شد. از بین واحدهای مشمول الگوی تربیتی: ۱ - مؤلفه الگودهی شامل الگودهی از پیامبر، ائمه، مربی و والدین است که مجموع آنها ۸۹ مؤلفه بود که از این تعداد الگودهی از پیامبر ۴۴، الگودهی از ائمه ۴۳ و الگودهی از والدین ۲ بود. از این تعداد، ۲۱ مؤلفه در بخش قرائت، ۶۸ مؤلفه در بخش متن اصلی درس بود. ۲ - مؤلفه الگوپردازی در این کتاب شامل بیان داستان و الگوهای مطلوب است که در بیان داستان مؤلفه‌ای نداریم. الگوهای مطلوب شامل ۴۵ مؤلفه بود که ۳۳ مؤلفه در بخش قرائت و ۱۲ مؤلفه در متن

اصلی درس بود. ۳- مؤلفه الگوزدایی در این کتاب شامل الگوهای منفی و دوری از الگوهای منفی است که الگوهای منفی شامل ۱۷ مؤلفه و دوری از الگوهای منفی شامل ۲ مؤلفه که مجموع آنها ۱۹ مؤلفه بود که از این تعداد، ۱۳ مؤلفه در بخش قرائت و ۶ مؤلفه در بخش متن اصلی درس بود. سؤال دوم پژوهش: کتاب دین و زندگی سال دوم تا چه میزان از مؤلفه‌های روش تربیتی الگویی اسلام برخوردار است؟ تحلیل محتوای کتاب سال دوم دین و زندگی حاکی بود که به طور کلی کتاب، شامل ۱۳۲ واحد مضمون تحلیل و ۴۹۰ واحد غیر مضمون بود که مجموعاً ۶۲۲ واحد را شامل می‌شد. از بین واحدهای مضمون الگوی تربیتی اسلام ۱- مؤلفه الگودهی شامل الگودهی از پیامبر، ائمه، مربی و والدین است که مجموع آنها ۸۶ مؤلفه بود که از این تعداد الگودهی از پیامبر ۳۸، الگودهی از ائمه ۴۸، الگودهی از مربی ۰، الگودهی از والدین ۰ بود. از این تعداد ۳ مؤلفه در بخش قرائت، ۸۳ مؤلفه در بخش متن اصلی درس بود. ۲- مؤلفه الگوپردازی در این کتاب شامل بیان داستان و الگوهای مطلوب است، که در بیان داستان مؤلفه‌ای نداریم. الگوهای مطلوب شامل ۲۳ مؤلفه بود که ۲۲ مؤلفه در بخش قرائت و ۱ مؤلفه در متن اصلی درس بود. ۳- مؤلفه الگوزدایی در این کتاب شامل الگوهای منفی و دوری از الگوهای منفی است که الگوهای منفی شامل ۱۸ مؤلفه و دوری از الگوهای منفی شامل ۵ مؤلفه است که مجموع آنها ۲۳ مؤلفه بود که از این تعداد، ۱۲ مؤلفه در بخش قرائت و ۱۱ مؤلفه در بخش متن اصلی درس بود. سؤال سوم پژوهش: کتاب دین و زندگی سال سوم تا چه میزان از مؤلفه‌های روش تربیتی الگویی اسلام برخوردار است؟

تحلیل یافته‌ها در این بخش نشان داد که کتاب سال سوم دین و زندگی شامل ۱۷۸ واحد مضمون تحلیل ۴۶۸ واحد غیر مضمون بود که مجموعاً ۶۴۶ واحد را شامل می‌شد. از بین واحدهای مضمون الگوی تربیتی ۱- مؤلفه الگودهی شامل الگودهی از پیامبر، ائمه، مربی و والدین است که مجموع آنها ۱۳۶ مؤلفه بود که از این تعداد الگودهی از پیامبر ۷۱، الگودهی از ائمه ۵۹، الگودهی از مربی ۰، الگودهی از والدین ۶ بود. از این تعداد ۲۳ مؤلفه در بخش قرائت، ۱۱۳ مؤلفه در بخش متن اصلی درس بود. ۲- مؤلفه الگوپردازی در این کتاب شامل بیان داستان و الگوهای مطلوب است که در بیان داستان مؤلفه‌ای نداریم. الگوهای مطلوب شامل ۱۹ مؤلفه بود که ۱۰ مؤلفه در بخش قرائت و ۹ مؤلفه در متن اصلی درس بود. ۳- مؤلفه الگوزدایی در این کتاب شامل الگوهای منفی و دوری از الگوهای منفی است که الگوهای منفی شامل ۱۴ مؤلفه و دوری از الگوهای منفی

شامل ۹ مؤلفه بود و مجموع آنها ۲۳ مؤلفه بود که از این تعداد، ۴ مؤلفه در بخش قرائت و ۱۹ مؤلفه در بخش متن اصلی درس بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت و نقش مهم روشهای الگویی، پرداختن به ابزار و امکاناتی که الگوهای مناسب را معرفی کند، اهمیت بسزایی دارد. در این زمینه کتابهای درسی و محتوای آن به علت دسترسی همه جانبه و آموزش فراگیر به آن بهترین راه تحقق این امر مهم است. در این راستا همان‌گونه که قبلاً بیان شد در این پژوهش سعی شد کتابهای دین و زندگی سال اول، دوم و سوم دوره دبیرستان از حیث برخورداری از مؤلفه‌های روش تربیتی الگویی (الگوی دهی، الگوپردازی و الگودایی) تحلیل و بررسی شود؛ بدین منظور و در پی پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش و بر اساس تحلیلها نتایجی به دست آمد؛ از جمله اینکه در سه کتاب منتخب مؤلفه الگودهی از پیامبر و ائمه دارای بیشترین فراوانی بوده است. با توجه به فضای تعلیم و تربیتی کشور که برگرفته از آموزه‌های اسلامی است و در دستورهای اسلامی ما تأکیدات زیادی بر الگوگیری از شخصیت پیامبر(ص) شده، این نتیجه قابل انتظار است. راه و رسم پیامبر اکرم(ص)، کامل و در بردارنده تمام ویژگیهای مثبت است که مسلمانان با الگوگیری از آن می‌توانند سعادت هر دو جهان را به دست آورند. هم‌چنین به علت اینکه کشور ما جامعه‌ای دینی است، زمینه پذیرش این الگوها بیشتر است؛ چرا که این الگوها با باور افراد سنخیت دارد؛ به عبارتی می‌توان گفت در معرفی اسوه‌های قرآنی و اولیای الهی از تمام مسیرها و امکانات جامعه باید بهره جست تا پیامهای دینی و الهی عمیقتر و سریعتر به متریان منتقل شود. پژوهش قیوم زاده و صادقیان (۱۳۸۶) نشان داد که پیروی از اولیای الهی و الگوگیری از پیامبران بویژه پیامبر اسلام در سلامت اجتماعی انسان بسیار مؤثر است. نتایج پژوهش روحی (۱۳۸۵) نیز حاکی بود که به دلیل دو ویژگی، که یکی در شخص پیامبر و دیگری در شریعت و آیینی که آن حضرت از سوی خداوند برای هدایت آورده است، می‌توان پیامبر را بهترین الگوی تربیتی معرفی کرد. از دیدگاه احادیث و آیات قرآنی وجود سرمشقی‌های بزرگ در زندگی انسان وسیله مؤثری برای تربیت آنها بوده است؛ به همین دلیل پیامبر و پیشوایان معصوم، مهمترین شاخصهای هدایت را با عمل خود نشان می‌دادند؛ یعنی سخن و عمل و سکوتشان همه

حجت و راهنما است و در همه زمینه‌ها سرمشق هستند. اسلام از طریق ارائه کردن الگوهای مناسب به افراد باعث هدایت و راهنمایی در برخورد با مسائل زندگی می‌شود. قرآن در این زمینه به معرفی پیامبران و امامان پرداخته است. خداوند انسان را آفریده است؛ لذا برای انسانها الگوهای فرستاده و تعیین کرده است و افراد را تشویق می‌کند که از این الگوها پیروی کنند (قیوم‌زاده و صادقیان، ۱۳۸۶). بر این اساس از آنجا که یکی از کاربردیترین و عملی‌ترین روشهای تربیت، تربیت با نمونه‌های عملی و الگویی بویژه الگوگیری از شخصیت‌هایی همچون پیامبر اسلام و ائمه اطهار است، قابل انتظار است که کتابهای دین و زندگی از این حیث بویژه الگودهی غنی باشد؛ لذا می‌توان گفت انتخاب فرستادگان خدا در میان انسانها به این دلیل است که آنان سرمشق عملی امت باشند. هم‌چنین از دیدگاه روانشناسی قابل تأمل است که بخش مهمی از آنچه فرد یاد می‌گیرد از طریق تقلید یا الگوبرداری است. به گفته آلبرت بندورا، یکی از نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، نوعاً یادگیری انسان از راه مشاهده پیامدهای رفتار سرمشق یا الگو به دست می‌آید. از آنجا که انسان پیوسته در معرض تجربه‌های گوناگون الگوبرداری قرار می‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که غالب اصول و قواعدی که رفتار انسان را هدایت می‌کند از طریق الگوبرداری به وجود می‌آید (هرگنهان و همکاران، ۱۳۷۴: ۴۴۹). انسان به این دلیل که در همه عمر با امور محسوس سروکار دارد، بیش از هر چیز تحت تأثیر روشهای عینی است. بهترین مفاهیم و رساترین اندیشه، زمانی که در قالب نمونه‌ای عینی ارائه می‌شود، کاملاً ادراک و تصدیق می‌شود. این سخن، که غایت تربیت اتصاف به اسمای حسناى الهی و صفات ربوبی است، درک نمی‌شود مگر اینکه تحقق آن در نمونه عینی مشاهده شود و متربی دریابد که می‌تواند راه تربیت را طی کند و به مقصد آن برسد؛ همان‌طور که در نمونه ملموس آن را می‌یابد که همه نشانه اهمیت تقلید در یادگیری انسان است (نساچی زواره، ۱۳۸۴).

از دیگر نتایج اینکه بین سه کتاب یاد شده، بیشتر مؤلفه‌ها در بخش متن اصلی درس (با ۳۲۲) مؤلفه بوده است و در بخش قرائت به میزان کمتری (۱۴۱) مؤلفه مشاهده شد. این نتیجه با توجه به اینکه متن با زبان فارسی تنظیم شده و بخش اصلی درس است، قابل تبیین است. از دیگر یافته‌ها این بود که از بین سه کتاب مورد پژوهش کتاب دین و زندگی سال سوم با (۱۷۸) واحد مشمول از بیشترین مؤلفه روش تربیت الگویی برخوردار بوده است و بعد از آن کتاب دین و زندگی سال اول با (۱۵۳) واحد مشمول به طور متوسط مؤلفه‌های روش تربیت الگویی در آن مشاهده شد. کتاب

دین و زندگی سال دوم با (۱۳۲) واحد مشمول از کمترین مؤلفه برخوردار بود. توجه به مؤلفه‌ها در سالهای بالاتر با توجه به افزایش رشد شناختی دانش‌آموزان بویژه شکل‌گیری تفکر انتزاعی در آنان و همچنین توجه به مسائل فلسفی و مذهبی تبیین می‌شود.

هم‌چنین بین مؤلفه‌های مورد بررسی در سه کتاب مشاهده شد مؤلفه بیان داستان وجود ندارد. در صورتی که جذابیت داستان و پیامدهای مطلوبی که در رفتار و صفات قهرمانان داستان وجود دارد، موجب می‌شود متربی از آنان الگوپردازی، و حرکات خود را با قهرمان داستان هماهنگ و تنظیم، و از همان الگو پیروی کند. این امر لزوم پرداختن به داستانهای کوتاه و آموزنده را در کتابهای درسی و بحث و بررسی در مورد ویژگیهای شخصی داستانها دوجندان می‌سازد. براساس نظریه اجتماعی بندورا، تجربه‌های مستقیم و جانشینی، چه تقویت جانشینی و چه تنبیه جانشینی که از طریق مشاهده الگوها ایجاد می‌شود در یادگیری رفتار جدید نقش بسزایی دارد. بنابراین کودک با همانندسازی و الگوگیری از شخصیت‌های داستان و مشاهده دریافت تقویت در برابر عمل مثبت و دریافت تقویت منفی در برابر عمل نادرست، تجربه‌هایی به دست می‌آورد که پیامدهای مثبتی در زندگی دارد (سیف، ۱۳۸۹: ۱۶۷). داستان وسیله درک جهان و خویشتن است. تمامی داستانهای بشر به دغدغه‌ها و نیازهای افراد در مراحل رشد ارتباط دارد. یکی از ویژگیها و کارکردهای اصلی داستان این است که متربیان از آن لذت می‌برند؛ به عبارتی متربیان می‌خوانند تا لذت خواندن را تجربه، و همراه با شخصیت‌های هر اثر در کشاکش حوادث داستان، دنیای جدیدی را کشف کنند. در نهایت همین تجربه، خود موجب ایجاد تحولات فکری و تربیتی در آنها می‌شود. در نتیجه پرداختن به این مؤلفه در کتابها لازم و ضروری است.

تحلیل سه کتاب نشان داد نقش الگودهی از والدین و مربی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه شالوده اصلی شخصیت فرد در خانواده شکل می‌گیرد و خانواده مهم‌ترین عنصر تربیتی در نظام آموزشی است؛ چرا که فرد به علت حضور همیشه و دائم والدین با آنها همانند سازی، می‌کند و در زمان تقلید از والدین خود احساس ایمنی و امنیت می‌کند و دوست دارد درست مانند آنها باشد تا مورد حمایت قرار گیرد (مفیدی، ۱۳۷۳)، الگودهی از نقش والدین اهمیت بسزایی دارد و این مسئله زمانی اهمیت بیشتری دارد که والدین در راستای آموزه‌های اسلامی عمل کنند و الگو شوند. هم‌چنین الگودهی از مربی در زمینه آموزش بسیار مهم است. با توجه به اینکه اهمیت یادگیری از طریق تقلید و الگوگیری از مربی، حساسیت خاصی دارد؛ چرا که

مربی با کردار و رفتار خود اصول تربیتی را می‌تواند مؤثرتر به دانش‌آموزان انتقال و آموزش دهد به طوری که دانش‌آموزان از رفتار معلم چنان الگو می‌گیرند که قادر به ایفای نقشی همانند او با دیگران می‌شوند (مفیدی، ۱۳۷۳: ۱۵۱).

در مجموع با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود روش تربیت الگویی در کتابهای دین و زندگی مقطع راهنمایی و ابتدایی مورد بررسی قرار گیرد. هم‌چنین از آنجا که این پژوهش بر مبنای مؤلفه‌های روش تربیتی الگویی اسلام صورت گرفته است پیشنهاد می‌شود کتابهای درسی بر اساس سایر روشهای تربیتی اسلامی نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در زمینه کاربردی نیز پیشنهاد می‌شود مربیان و متخصصان در زمینه تعلیم و تربیت با بهره‌گیری از مؤلفه‌های بررسی شده در این پژوهش و کسب آمادگی بیشتر در این زمینه در جهت بهبود روشهای تربیتی بهره‌گیرند. هم‌چنین با بهره‌گیری از مؤلفه‌هایی که در این پژوهش مطرح شده است، می‌توان نکات مهم و ارزشمندی در مورد روشهای تربیتی در گارگاه‌های آموزشی به مربیان و والدین انتقال داد و آنها را از الگوهای مختلف به منظور پرورش فرزندانشان آگاه کرد. قابل ذکر است با توجه به نوع پژوهش بجز کم بودن پژوهشهای پیشین در این ارتباط محدودیت خاصی برای پژوهش وجود نداشت.

منابع

- اخلاصی، احمد بخش (۱۳۸۶). نقش الگویی والدین در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک. تهران: جامعه فردا. س ۲. ش ۴: ۲۶۷ تا ۲۸۶.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۱). تربیت با روش الگویی. نشریه پیوند. ش ۱۶۱: ۱۹ تا ۲۴.
- امینی، محمد، ماشااللهی نژاد، زهرا؛ علیزاده زاعی، مرضیه (۱۳۹۱). تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمانی و فارسی مقطع ابتدایی از نظر توجه به مهدویت. فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی. ش ۱۰: ۷ تا ۲۶.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سمت.
- جعفری، عباس؛ نیازی، محسن (۱۳۷۹). شناسایی الگوهای تربیتی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر کاشان و نحوه تأثیرپذیری آنان از این الگوها. فصلنامه آموزش. ش ۱۷: ۵۳ تا ۵۷.
- حسنی، محمد ابراهیم (۱۳۸۴). روش‌های تربیت اسلامی در پرتوی قرآن و نهج البلاغه. نشریه علوم انسانی. ش ۵۷: ۱۴۵ تا ۱۵۶.
- روحی، ابوالفضل (۱۳۸۵). الگوی تربیتی پیامبر اعظم (ص). ماهنامه معرفت. س ۱۵. ش ۱۱: ۱۰ تا ۱۹.
- سبزعلی زاده، داراب؛ شمشیری، بابک (۱۳۹۰). بررسی میزان برخورداری کتاب‌های دین و زندگی مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی از مؤلفه‌های مربوط به مهارتهای اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. فصلنامه مطالعات

اسلامی در تعلیم و تربیت. ش ۳: ۷۳ تا ۹۳.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: دوران.

قیوم زاده، محمود؛ صادقیان، احمد (۱۳۸۶). نقش الگوگیری از پیامبران و جاودان‌گرایی در سلامت اجتماعی.

فصلنامه علمی - ترویجی علوم اسلامی. س ۲. ش ۵: ۴ تا ۱۷.

کریمی، محمد حسن (۱۳۸۶). نقد و بررسی کتاب‌های علوم تجربی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر پیش

فرض‌های فلسفه علم و ارائه الگویی برای تدوین این کتاب‌ها. رساله دکتری دانشکده علوم تربیتی و

روانشناسی دانشگاه شیراز.

عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۷۰). نقش الگوها در تربیت. نشریه پیوند. ش ۶۸: ۲۱ تا ۳۱.

مفیدی، فرخنده (۱۳۷۳). نقش الگودهی معلم در روند تعلیم و تربیت کودکان دبستانی. فصلنامه روانشناسی و

تربیتی. ش ۱۶۵: ۱۵۱ تا ۱۶۲.

صانعی، سید مهدی (۱۳۷۸). پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی. مشهد: سناباد.

نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۴). روشهای تربیت الگویی در کلام وحی و عترت. مکتب اسلام. ش ۱۱: ۵۶ تا ۶۳.

نژاد شفیعی، محبوبه (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه بر اساس مقوله‌های

مفاهیم اساسی و مؤلفه‌های بیست و چهار گانه اهداف در قلمروی باورها و گرایش‌ها. رساله کارشناسی

ارشد دانشگاه شیراز.

هرگنجان، بی آر و همکاران (۱۳۷۴). ترجمه علی اکبر سیف. مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. تهران: دانا.

Maykut, Palema & Morehouse, Richard. (1996). **Beginning Qualitative Research**. London: The Falmer press.

